

هشدار به رئیس جمهوری آمریکا درباره احتمال یک اشتباه محاسباتی

اینجا خلیج مکزیک نیست



رضا رئیس

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

درحالی‌که جنگ تعرفه‌ها، چالش‌های جدی برای اقتصاد آمریکا رقم زده و اعتراضات داخلی را نسبت به افزایش قیمت برخی کالاها در ایالات متحده به همراه داشته است تا آنجا که در اقدامی کم‌سابقه، شخص رئیس جمهوری وادار به واکنش شده و مردم را توصیه به عدم خرید اسباب‌بازی و صرفه‌جویی در خرید کالا کرد و در دیگر سو، اقتصاد جهانی پیرو التهاب‌آفرینی ترامپ دچار تششت و تکانه‌های جدی است و با افزایش تنش میان دو قدرت هسته‌ای جهان و بالاگرفتن منازعه، هند و پاکستان را تا آستانه جنگ تمام‌عیار پیش برده است و همین نکته هم بر دایره تلاطم و ریسک اقتصادی در بازارهای جهانی افزوده است؛ شاید آخرین چیزی که می‌شد انتظار آن را داشت، دامن زدن به تنش در خاورمیانه و در هارتلند انرژی جهان بود که می‌تواند شوک جدی برای اقتصاد جهانی باشد.

مذاکره میان ایران و ایالات متحده طی چند صباح اخیر، حداقل در این حوزه پیام‌آور آرامش برای کنشگران اقتصاد جهانی بود که یک خبر عجیب و شایعه غریب در آسوشیتدپرس در خصوص قصد ترامپ به تغییر نام خلیج‌فارس، فضا را ملتهب‌تر از قبل در اتمسفر مذاکرات و در روابط ایران و ایالات متحده کرد. در سال۲۰۱۷ و در دور اول ریاست‌جمهوری ترامپ، وی در سفر به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، یکبار از نام جعلی «خلیج عربی» برای خوشایند مقامات عربستانی استفاده کرد که واکنش تند ایرانیان و مقامات رسمی وقت از جمله حسن روحانی و محمدجواد ظریف را در پی داشت. وزیرخارجه وقت ایران در توثیتی تند و تیز، خطاب به ترامپ، نوشت: «همه می‌دانند که دوستی ترامپ به بالاترین قیمت قابل معامله است. الان دریافتیم که جغرافیای او نیز خریدنی است.»

حال آسوشیتدپرس به نقل از دومقام آمریکایی، مدعی شده که ترامپ قصد دارد در سفر هفته پیش‌روی خود به کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس، نام این پهنه آبی استراتژیک را تغییر دهد. فارغ از اینکه این مدل خبرها به نقل از منابع ناشناس تا چه حد اعتبار و وثاقت دارد و شاید در رسته حاشیه‌سازی مخالفان مذاکره باشد، از آنجایی که پس از اعتراضات گسترده شهروندان و مقامات ایرانی، تکذیب رسمی نشده، می‌توان آن را مقرون به صحت داشت؛ فقط نکته آن است که اگر در آن برهه زمانی ترامپ چنین موضع نایخردانه‌ای گرفت، تنش میان ایران و عربستان در اوج خود قرار داشت و او نیز از برجام خارج شده بود و حال که مذاکرات در جریان است و ایران و عربستان هم در مسیر تفاهمی و همکاری متقابل قرار دارند، چرا باید با چنین لفاظی‌های ناپخته و به‌شدت مورد حساسیت مردم ایران فضا را مشوش و تقابلی کند؟

یک نکته مهم در این میان آن است که اگر ترامپ دست به چنین اقدامی بزند، هیچ تغییر رسمی در نقشه‌های بین‌المللی و مکاتبات بین‌الدولی، ایجاد نمی‌شود و فقط در مکاتبات داخلی سازمان‌های آمریکایی از این تغییر نام استفاده خواهد شد، حال سوال این است که آیا این اقدام نمادین برای خوشایند طرف‌های عربی، ارزش آن را دارد که مذاکرات ایران

و ایالات متحده را به حاشیه براند؟

روابط تازه تلطیف‌شده ایران و عربستان را مخدوش کند و از همه بدتر مقوله تضمین امنیت انرژی را که در شرایط فعلی اقتصاد جهانی برای همگان مهم و حیاتی است، دچار تنش و التهاب و چالش پیمادی کند؟ خلیج‌فارس یک آبراه معمولی و فاقد اهمیت سوق‌الجیشی در حوزه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی جهان نیست. ۳۰درصد انرژی جهان از خلیج‌فارس به سراسر جهان ارسال می‌شود وفارغ از هر کلیشه و تعارفی، خلیج‌فارس در نقطه کانونی ارتباط سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا در دریا‌های آزاد قرار دارد و شاید هیچ پهنه آبی در جهان از این اهمیت کربدوری-ارتباطی-اقتصادی بر خودار نباشد. از طرف دیگر، نکته آن است که ایرانیان با هر عقیده و مرام و مسلکی، پیرامون نام خلیج‌فارس و هویت تاریخی آن، اهل هیچ مسامحه و کوتاه‌آمدنی نیستند و تخطی از این نماد هویت ملی را برنمی‌تابند و با تمام توان پای کار آن ایستاده‌اند و می‌ایستند و این نکته‌ای است که هر آشنا به وضعیت ایران و منطقه آن را به‌خوبی می‌داند.

در سوی مقابل، عموم مردم آمریکا و حتی بخش عمده‌ای از سیاستمداران ایالات متحده، چندان آشنایی با اتمسفر فرهنگی و زیست اجتماعی و حتی مصادلات ژئوپلیتیکی خاورمیانه و ایران ندارند. نمونه آنکه میت رامنی نامزد رقیب اواما در انتخابات سال ۲۰۱۲ وقتی راجع به سوریه حرف زد، اصلاً نمی‌دانست که موقعیت جغرافیایی آن چیست و یا وقتی از شهروندان آمریکایی سوال پرسیده شد که ایران کجای نقشه جهان است و از مردمش و وضعیت زندگی آنان چه می‌دانید؟ اکثر آنان پاسخ اشتباه دادند و نمی‌دانستند که ایران چه موقعیت جغرافیایی دارد و مردمش چه کیفیت زندگی دارند!

حالا هم در این موقعیت، لازم است برای ترامپ توضیح داده شود که با چه کشور و با چه مردمانی طرف است و آنان روی چه مقولاتی حساسیت دارند. یکی از چالش‌های جدی روابط ایران و ایالات متحده طی چهار دهه گذشته آن بوده که از افکارعمومی تا سیاستمداران واشنگتنی، شناخت حداقلی ایران و مردمان آن ندارند و ذهینت آنان برآمده از ماجرای اشغال سفارت، فیلم‌های هالیوودی و بخشی از اپوزیسیون فسیل‌گونه ایرانی، شکل گرفته و در چنین بزرنگه‌هایی خود را نشان می‌دهد.

این درست است که ترامپ تاجرپیشه، نگاهش بیش و پیش از هر گزاره‌ای به دلارهای نفتی حاکمان عربی جلب است و برای خوشایند آنان هر چیزی را ممکن است بگوید؛ اما همین سیاستمدار تاجرپیشه هم می‌داند که در شرایط فعلی اگر دنبال تضمین امنیت انرژی جهان است، اگر دنبال بازگشت آرامش و ثبات به خاورمیانه است و اگر می‌خواهد حل‌وفصل پرونده مناقشه ۴۶ساله با ایران را به نام خودش بزند، نباید بدون هیچ دلیل موجهی با اظهارات ناپخته روی مقولات حساسیت‌برانگیز هر آنچه تاکنون بافته شده را به ثمن بخش رشتنه کند.

ترامپ اگر نمی‌داند که تغییر نام خلیج‌فارس، همانند خلیج مکزیک نیست و می‌تواند تا چه اندازه تبعات سیاسی و اقتصادی و ... به همراه داشته باشد؛ این را نیک می‌داند یا باید بداند که حصول توافق و گوشودن گره کلاف سردرگم خاورمیانه بدون ایران و مردمانی که بر سر تمامیت ارضی و هویت تاریخی خود با احدی شوخی ندارند، ممکن و میسر نیست و یک گاف کوچک می‌تواند همه چیز را بر باد دهد.

علل مشکلات پاکستان برای رقابت برابر با هند همین است. در حالی‌که اقتصاد هند ۱۳ برابر پاکستان است. تعداد بمب‌های هسته‌ای و تجهیزات متعارف نظامی آنها باید برابر باشد تا بتوانند بازدارندگی داشته‌باشند.

پس پاکستان باید سه‌م هزینة نظامی از تولید ناخالص داخلی خود را ۱۳ برابر هندوستان کند تا به پای آن برسد و این یعنی شکست قطعی. جنگ کنونی میان هند و پاکستان نشان خواهد داد که آیا سلاح هسته‌ای هیچ کار بردی در پیشبرد اهداف احتمالی و تأمین منافع ملی دارد یا خیر؟ یا مصداق سنگ بزرگ علامت نژدن خواهد بود؟

می‌فهمیم و همین موجب حسادت و دشمنی تندرورها شده است. فشار تبلیغاتی علیه رسانه‌های مستقل ونادیده گرفتن شه‌رسانه‌های تندرورها فقط یک معنی دارد؛ اینکه آنها فاقد اثرگذاری هستند پس باید رقیب را هم حذف کرد. البته نتیجه‌اش به‌سود نتانیاهوو براندازان علیه کشور و ایران است.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

واکنش‌ها به ادعای دورس‌انه غربی درباره تغییر نام **خلیج فارس** توسط ترامپ

شایعه‌خبر ساز

گروه خبر: شامگاه سه‌شنبه به وقت تهران، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در جریان دیدار خود با نخست‌وزیر کانادا، مدعی شد که پیش از سفر هفته آینده‌اش به خاورمیانه خبری مهم و بسیار مثبت را اعلام خواهد کرد. خبری که هنوز به‌طور رسمی مشخص نیست به چه موضوعی اشاره دارد اما احتمالاً مربوط به یکی از پرونده‌های خاورمیانه خواهد بود. زمان زیادی از این صحبت ترامپ نگذشته بود که یک رسانه آمریکایی و رسانه انگلیسی مدعی شدند او می‌خواهد پیش از ورود به خاورمیانه که با سفرش به عربستان آغاز خواهد شد، نام خلیج فارس را با عنوان جعلی خلیج عربی جایگزین کند. فقط انتشار این ادعا از سوی خبرگزاری آسوشیتدپرس و روزنامه دیلی‌میل کافی بود تا موجی از واکنش‌های تند در شبکه‌های اجتماعی از سوی طیف‌های مختلف سیاسی داخلی و خارج از کشور و عموم مردم به وجود بیاید. ساعتی پیش طول نکشید که واکنش‌های مقامات رسمی نیز به این موضوع اضافه شد. تا زمان تنظیم این گزارش، کاخ سفید هیچ واکنشی به اصل ادعای دو رسانه مذکور و واکنش‌های مقامات کشورمان از خود نشان نداد. با توجه به این سکوت، واکنش در بالاترین سطوح جمهوری اسلامی و انتشار دو خبر جعلی مبنی بر اینکه فرزند ترامپ و استیو وینکاف نماینده رئیس‌جمهور ایالات متحده در امور خاورمیانه این موضوع را تکذیب کرده‌اند، این ظن را تقویت می‌کند که ممکن است ترامپ چنین برنامه‌ای داشته باشد. برنامه‌ای که واکنش‌های تندتری به دنبال خواهد داشت و روند دیپلماتیک غیرمستقیم شکل گرفته میان ایران و ایالات متحده با میانجی‌گری عمان را با چالش بیشتری مواجه خواهد کرد.

تاریخ و جغرافیا خریدنی نیست

محمدباقر قالیباف، رئیس‌مجلس در توییتِر (شبکه ایکس) به این ادعا واکنش نشان داد: «از کتابخانه مجلس خواستم چند نقشه تاریخی خلیج فارس را که در بایگانی موجود است منتشر کنند. گفتند اینقدر زیاد است که به‌هر کدام از سیاستمداران متوهم چند نسخه می‌رسد. شاید کفش و لباس با دلار و درهم خریدنی باشد، ولی تاریخ و جغرافیا خریدنی نیست. عرض خود می‌بری و زحمت مامی‌داری...»

نام خلیج فارس ریشه در تاریخ بشر دارد

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه در توییتِر با انتشار تصویری از آرشیو کتابخانه کنگره ایالات متحده، نوشت: «نام خلیج فارس، مانند بسیاری از نام‌های جغرافیایی، ریشه عمیق در تاریخ بشر دارد. ایران هرگز به استفاده از نام‌هایی مانند دریای عمان، اقیانوس هند، دریای عرب یا دریای سرخ اعتراضی نداشته است. استفاده از این نام‌ها به معنای مالکیت هیچ ملت خاصی نیست، بلکه نشان‌دهنده احترام مشترک به میراث جمعی بشریت است. در مقابل، اغراض سیاسی برای تغییر نام تاریخی خلیج فارس، نشان‌دهنده نیت خصمانه



علیه ایران و مردم آن است و به شدت محکوم می‌شود. چنین اقدامات مغرضانه‌ای، توهین به همه ایرانیان، صرف نظر از پیشینه یا محل اقامت آنها است. امیدوارم که شایعات مضحکی که در مورد تغییر نام خلیج فارس وجود دارد، چیزی بیش از یک کمپین دروغ‌پراکنی توسط افراد «همیشه جنگ‌طلب» برای خشمگین کردن ایرانیان در سراسر جهان و تحریک آنها نباشد. مطمئناً رئیس‌جمهور آمریکامی‌داند که نام خلیج فارس قرن‌ها قدمت دارد و توسط همه نقشه‌نگاران و نهادهای بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است و حتی تا همین اواخر دهه ۱۹۶۰ توسط همه رهبران منطقه در مکاتبات رسمی خود استفاده می‌شد. هرگونه اقدام کوتاه‌بینانه در این زمینه هیچ اعتبار یا اثر قانونی یا جغرافیایی نخواهد داشت، جز آنکه خشم همه ایرانیان از هر قشر و عقیده سیاسی در ایران، ایالات متحده و سراسر جهان را به دنبال خواهد آورد.»

خلیج فارس فقط یک نام جغرافیایی نیست

فاطمه مهارجانی، سخنگوی دولت نیز در شبکه ایکس نوشت: «خلیج فارس فقط یک نام جغرافیایی نیست، بخشی از هویت تاریخی ملت ایران است. کسانی که به دنبال تغییر نام «خلیج فارس» هستند، تاریخ چند هزارساله ایران را درک نکرده‌اند. این تحرکات بی‌حاصل، بیشتر از آن که ما را تحریک کند، بی‌اعتباری شمارا آشکار می‌کند.»

شاید فردا برای این همبستگی میهنی دیر باشد

محمدجواد ظریف، وزیر پیشین امور خارجه با بازنشر پست عراقچی در توییتِر، این‌گونه واکنش نشان داد: «آنچه پیرامون استفاده از نام شاختگی برای خلیج‌فارس شنیده می‌شود هر ایرانی میهن‌دوست را هر گرایشی را به خشم می‌آورد. برای ایران، به جهانیان و ساکنان کاخ سفید نشان خواهیم داد که ایرانیان، همراه و هم‌زبان، این سوداگری کوتاه‌بینانه را بر نمی‌تابند. شاید فردا برای این همبستگی میهنی دیر باشد...»

عملیات و جنگ روانی

محمود واعظی، رئیس‌دفتر رئیس‌جمهور در دولت **دوازدهم** در یادداشتی کوتاه راجع به این موضوع نوشت: «در جهانی که مرزها با جوهر «سیاست» و «جنگ» (تحریف) یا «بازتحریف» می‌شوند، حقیقت تاریخی همچنان در اسناد و نقشه‌ها روشن و چراغ راه است و طبیعتاً هیچ جوهری نمی‌تواند آنچه‌باتاریخیت گردیده را محو نماید. به اسناد کلبه نقشه‌های رسمی، اسناد کنفرانس‌های بین‌المللی، کتاب‌های جغرافیای جهان، نقشه‌های متعدد دریاوردان یونانی، گزارش‌های سفرنام‌نویسان مسلمان و حتی در بایگانی‌های استعمارگران قرن نوزدهم و به کلی از قرن‌ها پیش تاکنون تنها نام به‌رسمیت شناخته‌شده برای این پهنه آبی «Persian Gulf» و معادل فارسی آن

روی سود اندک قمار نکن

آنچه درباره شایعه تغییر نام خلیج فارس به ترامپ و مشاورانش باید گفت

آن، بر هر مصلحت دیگری از حیثت می‌یابد.

شاید در محاسبات برخی مشاوران ترامپ، اختلافات سیاسی داخلی ایران، مجالی برای اعمال فشار و یا تغییر موازنه‌های ژئوپلیتیک تلقی شود. اما تاریخ معاصر، به‌ویژه در چند دهه اخیر، گواه است که در لحظات خطر و هنگامی‌که ایرانیان کیان ملی و هویت تاریخی خود را در معرض تهدید می‌بینند، تمامی گرایش‌های سیاسی و حتی نارضایتی‌های درونی، در برابر منافع عالیه ملی رنگ می‌بازند و به اتحادی شگفت‌انگیز و انسجامی پولادین بدل می‌شوند. در چنین شرایطی، ایران، فراتر از هر دولت و حاکمیتی، به‌یگانه محور وحدت بدل می‌گردد. آن دسته از مشاورانی که با ارائه تصویری ناقص و اغراق‌آمیز از آسیب‌پذیری‌های مقطعی ایران، ترامپ را به چنین تصمیمات مناقشه‌برانگیزی سوق می‌دهند، در حال تکرار یک خطای استراتژیک تاریخی هستند. هرگونه تعرض به نمادهای هویتی ایران، نفع‌تأ منجر به تضعیف این کشور نخواهد شد، بلکه به‌نحوی معکوس، به‌مثابه قوی‌ترین عامل همبستگی ملی عمل کرده و تمامی ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل ایرانیان را در برابر تهدید مشترک، بسیج خواهد کرد.

ترامپ که به‌عنوان یک مذاکره‌کننده و تاجر چیره‌دست شهرت دارد، شایسته است نیک بداند که گاهی برای دستیابی به یک «معامله بزرگ» و پایدار، باید از سودهای مقطعی و «معاملات کوچک» چشم‌پوشی کند. «معامله کوچک» در اینجا، دلجویی نمادین و کوتاه‌مدت از برخی متحدان منطقه‌ای از طریق تغییر نام خلیج‌فارس است؛ اقدامی که شاید در نگاه اول یک امتیازدهی نمادین به نظر برسد، اما در عمل، تأثیر چندانی بر معادلات بنیادین قدرت و منافع در منطقه نخواهد داشت و تنها حساسیت عمیق و ریشه‌دار ملت ایران را بر خواهد انگیزت و به اختلاف ایشان با اعراب دامن می‌زند. اما «معامله بزرگ‌تری» در افق نمایان است: فرصت تعامل سازنده با ایران بازاری بکر و عظیم باپتانسیل‌های اقتصادی فوق‌العاده است. موقعیت ژئواستراتژیک منحصر‌بفرد ایران به‌عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب، دسترسی به آب‌های آزاد، منابع غنی انرژی (دومین ذخایر گاز و چهارمین ذخایر نفت جهان)، و زیرساخت‌های

۲

ایران، مجالی برای اعمال فشار و یا تغییر موازنه‌های ژئوپلیتیک تلقی شود. اما تاریخ معاصر، به‌ویژه در چند دهه اخیر، گواه است که در لحظات خطر و هنگامی‌که ایرانیان کیان ملی و هویت تاریخی خود را در معرض تهدید می‌بینند، تمامی گرایش‌های سیاسی و حتی نارضایتی‌های درونی، در برابر منافع عالیه ملی رنگ می‌بازند و به اتحادی شگفت‌انگیز و انسجامی پولادین بدل می‌شوند. در چنین شرایطی، ایران، فراتر از هر دولت و حاکمیتی، به‌یگانه محور وحدت بدل می‌گردد. آن دسته از مشاورانی که با ارائه تصویری ناقص و اغراق‌آمیز از آسیب‌پذیری‌های مقطعی ایران، ترامپ را به چنین تصمیمات مناقشه‌برانگیزی سوق می‌دهند، در حال تکرار یک خطای استراتژیک تاریخی هستند. هرگونه تعرض به نمادهای هویتی ایران، نفع‌تأ منجر به تضعیف این کشور نخواهد شد، بلکه به‌نحوی معکوس، به‌مثابه قوی‌ترین عامل همبستگی ملی عمل کرده و تمامی ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل ایرانیان را در برابر تهدید مشترک، بسیج خواهد کرد.

۳

ترامپ که به‌عنوان یک مذاکره‌کننده و تاجر چیره‌دست شهرت دارد، شایسته است نیک بداند که گاهی برای دستیابی به یک «معامله بزرگ» و پایدار، باید از سودهای مقطعی و «معاملات کوچک» چشم‌پوشی کند. «معامله کوچک» در اینجا، دلجویی نمادین و کوتاه‌مدت از برخی متحدان منطقه‌ای از طریق تغییر نام خلیج‌فارس است؛ اقدامی که شاید در نگاه اول یک امتیازدهی نمادین به نظر برسد، اما در عمل، تأثیر چندانی بر معادلات بنیادین قدرت و منافع در منطقه نخواهد داشت و تنها حساسیت عمیق و ریشه‌دار ملت ایران را بر خواهد انگیزت و به اختلاف ایشان با اعراب دامن می‌زند. اما «معامله بزرگ‌تری» در افق نمایان است: فرصت تعامل سازنده با ایران بازاری بکر و عظیم باپتانسیل‌های اقتصادی فوق‌العاده است. موقعیت ژئواستراتژیک منحصر‌بفرد ایران به‌عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب، دسترسی به آب‌های آزاد، منابع غنی انرژی (دومین ذخایر گاز و چهارمین ذخایر نفت جهان)، و زیرساخت‌های

نگاه تحلیلگر

۲

ایران، مجالی برای اعمال فشار و یا تغییر موازنه‌های ژئوپلیتیک تلقی شود. اما تاریخ معاصر، به‌ویژه در چند دهه اخیر، گواه است که در لحظات خطر و هنگامی‌که ایرانیان کیان ملی و هویت تاریخی خود را در معرض تهدید می‌بینند، تمامی گرایش‌های سیاسی و حتی نارضایتی‌های درونی، در برابر منافع عالیه ملی رنگ می‌بازند و به اتحادی شگفت‌انگیز و انسجامی پولادین بدل می‌شوند. در چنین شرایطی، ایران، فراتر از هر دولت و حاکمیتی، به‌یگانه محور وحدت بدل می‌گردد. آن دسته از مشاورانی که با ارائه تصویری ناقص و اغراق‌آمیز از آسیب‌پذیری‌های مقطعی ایران، ترامپ را به چنین تصمیمات مناقشه‌برانگیزی سوق می‌دهند، در حال تکرار یک خطای استراتژیک تاریخی هستند. هرگونه تعرض به نمادهای هویتی ایران، نفع‌تأ منجر به تضعیف این کشور نخواهد شد، بلکه به‌نحوی معکوس، به‌مثابه قوی‌ترین عامل همبستگی ملی عمل کرده و تمامی ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل ایرانیان را در برابر تهدید مشترک، بسیج خواهد کرد.

۲

ایران، مجالی برای اعمال فشار و یا تغییر موازنه‌های ژئوپلیتیک تلقی شود. اما تاریخ معاصر، به‌ویژه در چند دهه اخیر، گواه است که در لحظات خطر و هنگامی‌که ایرانیان کیان ملی و هویت تاریخی خود را در معرض تهدید می‌بینند، تمامی گرایش‌های سیاسی و حتی نارضایتی‌های درونی، در برابر منافع عالیه ملی رنگ می‌بازند و به اتحادی شگفت‌انگیز و انسجامی پولادین بدل می‌شوند. در چنین شرایطی، ایران، فراتر از هر دولت و حاکمیتی، به‌یگانه محور وحدت بدل می‌گردد. آن دسته از مشاورانی که با ارائه تصویری ناقص و اغراق‌آمیز از آسیب‌پذیری‌های مقطعی ایران، ترامپ را به چنین تصمیمات مناقشه‌برانگیزی سوق می‌دهند، در حال تکرار یک خطای استراتژیک تاریخی هستند. هرگونه تعرض به نمادهای هویتی ایران، نفع‌تأ منجر به تضعیف این کشور نخواهد شد، بلکه به‌نحوی معکوس، به‌مثابه قوی‌ترین عامل همبستگی ملی عمل کرده و تمامی ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل ایرانیان را در برابر تهدید مشترک، بسیج خواهد کرد.

۳

ترامپ که به‌عنوان یک مذاکره‌کننده و تاجر چیره‌دست شهرت دارد، شایسته است نیک بداند که گاهی برای دستیابی به یک «معامله بزرگ» و پایدار، باید از سودهای مقطعی و «معاملات کوچک» چشم‌پوشی کند. «معامله کوچک» در اینجا، دلجویی نمادین و کوتاه‌مدت از برخی متحدان منطقه‌ای از طریق تغییر نام خلیج‌فارس است؛ اقدامی که شاید در نگاه اول یک امتیازدهی نمادین به نظر برسد، اما در عمل، تأثیر چندانی بر معادلات بنیادین قدرت و منافع در منطقه نخواهد داشت و تنها حساسیت عمیق و ریشه‌دار ملت ایران را بر خواهد انگیزت و به اختلاف ایشان با اعراب دامن می‌زند. اما «معامله بزرگ‌تری» در افق نمایان است: فرصت تعامل سازنده با ایران بازاری بکر و عظیم باپتانسیل‌های اقتصادی فوق‌العاده است. موقعیت ژئواستراتژیک منحصر‌بفرد ایران به‌عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب، دسترسی به آب‌های آزاد، منابع غنی انرژی (دومین ذخایر گاز و چهارمین ذخایر نفت جهان)، و زیرساخت‌های